



کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دگرات کردستان ایران

شماره: ۹۴ فروردینماه ۱۳۲۳ — آوریل ۱۹۸۴ بها: ۵۰ ریال

در این شماره:

- اطلاعیه شورای ملی مقاومت.
- اطلاعیه دفتر سیاسی درباره انتخابات مجلس آخوندی
- اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دگرات کردستان ایران
- استقلال و دگراسی دو اصل مهم.
- پیرامون فکرها.
- زنده باد کردستان.

جنگ ایران و عراق

بیش از سه سال و نیم از شروع جنگ ایران و عراق میگذرد. این جنگ که از لحاظ سنگینی تلفات پس از جنگ دوم جهانی بی سابقاست، هنوز باشد تا ادامه دارد و یابانی بر آن متصور نیست.

ماهها قبل از شروع جنگ برخورد های پراکنده در رمزها آغاز گشته و توپخانه ها به کار افتاد بودند. رژیم خمینی پنهان نمیکرد که منظور صد و رانقلاب قریب کشورگشایی دارد و در نخستین فرصت به خاک عراق حمله خواهد کرد. عراق که از هدف های سردمداران جمهوری اسلامی اطلاع پیدا کرده بود پیشه سستی نمود و به

بفیدد صفحه ۲

پیام نوروزی به پیر کنگا حزب

هموطنان گرامی!
 خلقهای شرافتمند ایران!
 مردم مبارز کردستان!
 بناسبت فرا رسیدن نوروز سال
 بفیدد صفحه ۳

بقیه: جنگ ایران ۱۹۰۰۰۰۰۰

خاک ایران تجاوز کرد. جنگی که آغاز تصـوـر
 میرفت بزودی پایان خواهد پذیرفت، راضی
 پیدا کرد و هر دو کشور را در بحرانی عمیق فرو برد.
 اینک بیش از یکسال است که نیروهای
 عراق از خاک ایران بیرون رفته‌اند و دولت
 عراق از طرق مختلف پیشنه‌ها آتش بس
 و انعقاد پیمان صلح و عدم تجاوز با ایران میکند.
 لیکن پیشنه‌های مستقیم عراق و تمامی
 میانجیگریهای سازمانها و دول منطقه‌ای و
 سازمانهای بین‌المللی عقیم ماندند؛
 چراکه خمینی با الجادیت ویژه خود خواستار
 ادامه جنگ و سرنگونی رژیم کونونی عراق است.
 بموجب آمار ناقصی که تاکنون منتشر شده
 جنگ ایران و عراق تاکنون ۵۰۰ هزار کشته و
 زخمی بجای گذاشته است که بیش از
 ۳۵۰ هزار نفر از آنها ایرانی میباشند.
 خسارات مادی ایران در این جنگ بیش از
 یکصد و پنجاه میلیارد دلار تخمین زده میشود.
 بسیاری از شهرها و روستاها ویران شده‌اند
 بهرخی از بزرگترین مؤسسات اقتصادی هر
 دو کشور به ویژه مؤسسات نفتی چندان
 لطماتی وارد آمد که بکار انداختن مجدد آنها
 مستلزم میلیارد ها دلار سرمایه‌گذاری است.

دو میلیون نفر آواره جنگی، دهها هزار
 نفر معلول و دهها هزار نفر دیگر اسیر جنگی
 از نتایج این جنگ نامانوس است. اما
 متأسفانه نتایج منفی جنگ بهمین جا ختم
 نمیشود. تلاشی خانوارها، بیکاری،
 سرگردانی و افزایش بیماریهای روانی در میان
 جنگ‌زده‌ها و جنگ‌دیدگان نیز، ابعاد پس
 گسترده‌ای یافته که بدون تردید بر سلامت
 روحی نسل جوان مبین مضررات جبران
 ناپذیری وارد آوردند.

جنگ نتنها اقتصاد کشور ما را به ویرانی
 کشاند، و عملاً سیستم کونونی و اقتصاد جنگی
 را بر مبنای ماتمیل نمودند. ما ست کنتوأم با
 محرومیت و مشقت ویژه برای تورم‌های
 کم درآمد میباشد، بلکه ادامه آن هر روز
 بخش اعظم درآمد کشور را میبلعد و اکثر
 درآمد ارزی حاصل از فروش نفت نیز برای
 خرید مہمات و وسائل جنگی مصرف میشود.
 در نتیجه کارهای تولیدی همچنان تعطیل
 است، بیکاری افزایش مییابد، تورم رکورد
 جهانی را شکسته، و گرانی سرسام‌آور سطح
 زندگی زحمتکشان را به پائین‌ترین حد ممکن
 تنزل داده است.

بامبلغ ۱۵۰ میلیارد دلار خسارتی که

بقیه: پیام نوروزی.....

۱۳۶۲ از سوی کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، از صمیم قلب از کردستان آزاد، از سنگر آزادی سراسر ایران، بشمار تبریک میگوییم، امیدوارم سال نو، سال پیروزی خلقهای ایران بر رژیم واپسگرا و خودگامه خمینی باشد و پس از چندین سال مبارزه خونبار، روشنی و آزار دیدار میهن ما جایگزین تاریکی و استبداد سیاه گردد.

حقیقت اینست که در حال حاضر صد ها هزار خانواده در ایران سسایا میوشید و اندک در هاشهر و مدنها روستا ویران شده و دو میلیون نفر آواره و بی خانمان گردیده اند. زحمتکشان ایران با فقر و تنگدستی و بدبختی دست بگیریند و پاسخ هر اعتراض آنها را زندان و شکنجه و اعدام است. حقیقت اینست که امسال نیز نوروز رژیم سایه و سیاه استبداد بر گزار میشود و احتمال می رود در آینده نزدیک یک رژیم خمینی هزاران و شاید دهها هزار نفر دیگر را نیز به سید انهای جنگ و یکام و سرگی بفرستد و دست به محاصره گسترده و یگانه در کردستان بزند. لیکن با این همه نوروز جشن بهار است، جشن شادمانی و شادگامی است، جشن امیدها و آرزوها است. به همین جهت

در این روز باید همانند سالهای گذشته جشن بگیریم و آتش نوروزی باید بسرفراز قلعه های بلند سراسر کردستان شعله ور گردد و باید به رژیم خمینی نشان داد که استبداد میسازد آخوندی قادر نبود و وقار نیست مردم زند و دل و شاد و شجاع کردستان را سرکوب کند. قادر نبود وقار نیست شادمانی و شادگامی و بهر فکری از زندگی سعادت نمود را از آنها بگیرد. خمینی همچنانکه توانائی جلوگیری از آمدن بهار را ندارد، کردستان را هم نمیتواند به ماتم خانه تبدیل نماید و جشن و سرور را از این دیار برچیند.

طی چند سال گذشته جشن نوروز جنبش ویزدای بخود گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی از ابراز شادمانی و سرور خود و شادی مردم نفرت دارد، زیرا این رژیم ترجیح میدهد مردم بیشتر و بیشتر و زاری بپردازند. به همین جهت میگویند تا آنجا که ممکن است، از اهمیت نوروز بکاهد و تا آنجا که ممکن است از ابراز شادمانی و شادگامی مردم ایران سسانعت به سهول آورد. برای نمونه امسال به سبب جوان تقاضا نکردند که برای نوروز به نزد خانواده های خود بروند و اما لیکن خمینی به آنها اجازه نداد و به جبر و زورشان کرد که رجبیه ها بمانند. بدین سبب مردم

بقیه: پیام نوروزی.....

سراسر ایران در شهرها و روستاها و بویژه مردم کردستان کهد مناطق آزاد زندگی میکنند، با دلای پر از سرور و شادمانی و به کوری چشم سردمداران رژیم خمینی نوروز را جشن میگیرند و از این طریق نیز مخالفت خود را با رژیم جمهوری اسلامی آخوندی به نمایش میگذارند.

هو وطنان گرامی!

مبارزه خلیقهای ایران علیه رژیم خمینی وارد مرحله جدیدی گردیده است. خمینی و اردو سته او برای نجات خود از گرفتار سیاست نافرجام خدا خلقی و خدا انسانی خود، تمامی نیرو و امکانات خود را برای انجام تهاجم دیگری به خاک عراق بکار گرفته اند. لیکن از هم اکنون چنین مینماید که احتمال پیروزی چنین حملاتی بسیار اندک است. واقعیت اینست که رژیم خمینی نمیتواند ادامه جنگ را بدارد، لیکن اگر به جنگ ادامه دهد نمیتواند خود را حفظ کند. ما بارها گفته ایم و یکبار دیگر نیز تکرار میکنیم که رژیم خمینی به بن بست رسیده است. ادامه جنگ این رژیم را ضعیفتر و ناتوانتر میکند و بدین روش صلح راه سرنگونی آنها هموار میسازد.

حزب مآوار از متوقف ساختن جنگ است؛

چرا که قبل از هر چیز این جنگ را جنگ بی حاصل و بی هدف میداند که نتیجه اش کشتاردها هزار جوان ایرانی و عراقی است. این جنگ چیزی کشتار و ویرانی و آوارگی و بدبختی، فرجام دیگری نداشته است و نخواهد داشت. علاوه بر این حزب مآوار اصرار است چرا که پیروزی صلح بمعنای ورشکستگی سیاست خمینی است؛ بمعنای ناکامی تئوری واید نولوژی ولایت فقیه و سرور انقلاب است و بمعنای رسوائی بیش از پیش سردمداران رژیم خمینی و قبل از همه شخص خمینی است. بهمین جهت بنظر ما مبارزه بخاطر متوقف ساختن جنگ و در راه صلح از مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی تفکیک نمیدرست.

در کردستان نیز جنگ علیه رژیم خمینی، جنگ برای سرنگونی این رژیم و جنگ بخاطر صلح است. اکنون جنگ و رژیم خمینی با هم را بطنناکستنی دارند. متوقف شدن جنگ سرنگونی رژیم خمینی را تسریع میسازد و سرنگونی رژیم خمینی موجب تأمین صلح و آسایش خواهد گردید.

لیکن همچنانکه بارها گفته ایم رژیم خمینی جز از راه قهر آمیز و مبارزه سخت و بویژه مبارزه مسلحانه سقوط نخواهد کرد. بهمین

بقیه در صفحه ۷

قیه: پیام نوروزی.....

بیت باید مبارزه خود را علیه رژیم آخوندی
ش از پیش در کردستان گسترش دهیم.
شهره ششم حزب و مکررات تصمیم گرفت
پیشمرگان تاکتیک جدیدی در مبارزه
لعانه علیه رژیم جمهوری اسلامی بکار
رند. باید بگوئیم در عین زبون بودمانده
ن دشمن، نیروی پیشمرگان را حفظ نمائیم؛
باید که تریهیم و با اصلا ند هییم و
باید یند ارم که با بکارگیری این تاکتیک
مرگان قهرمان ضربات موثری بدهد شمس
خواهند ساخت.

بگذار بناسب فرارسیدن نوروز، سال
بدر را به خلق کرد و همه خلقهای ایران
ک بگوئیم. به همه آزاد بخوانان و
(بیون ایران تبریک بگوئیم، که روز
زه خود را علیه رژیم خمینی شدت میبخشند؛
پیشمرگان قهرمان کردستان تبریک بگوئیم
وز بروز ضربات شدیدی و موثری به لشکریان
ینی وارد میآورند؛ به عموم زحمتکشان
ستان تبریک بگوئیم که همواره پشتیبان
هاکاه حزب و مکررات بود و هستند و
مبارک است از اعضای حزب سوسیالیست ایران تبریک

بگوئیم که پس از گذر ششم فدائیان و
منظمت از پیش در راه تحقق آرمانهای حزب
تلاش میکنند. در جشن نوروز ویژه باید
خانوادهای شهیدان را با خاطر استقبائیم،
خانواده کسانی که زندگی خود را در راه آزادی
خدا و خلق قربان کرده اند.

بگذار سال نو، سال پیروزی صلح بر
جنگ، سال پیروزی مکراسی بر دیکتاتوری،
سال پیروزی روشنی بر تاریکی و سال پیروزی
شادمانی و شادگامی بر اندوه و افسردگی
باشد.

بگذار سال نو، سال تائین مکراسی برای
ایران و خودمقتاری برای کردستان باشد.

باید شما مبارک باد. همیشه تندرست و
شادمان باشید.

.....

اطلاعیه دفتر سیاسی دربارهٔ صحته ساز

انتخابات مجلس شورای آخوندی

همه پنهان گرامی!

مردم مبارز کوردستان!

دربارهٔ انتخابات برآهاند اختتامند، علاوه بر سرگرم ساختن مردم، در هدف فاسد هم دارند؛ نخست اینکه - راه را بر انتخابات نمایندگان واقعی توده های مردم و افسران وابسته به هر حزب و سازمانی غیر از خود نشان ببندند و نگذارند بجز نمایندگان حزب جماعت اراک - حزب جمهوری اسلامی - هیچ نمایندگانی در یگیری به مجلس راه یابد، دوم آنکه - چنین روانه کنند که مردم در انتخابات کردن آزادند و آنان باید برای پیروزی نامزد های خود شان فعالیت کنند و سرانجام سردر آوردن نامزد های حزب جمهوری اسلامی از صندوق های رای را بعنوان یک پیروزی بزرگ سیاسی در نظر مردم ایران و افکار عمومی جهان جلوه دهند.

بدیهی است که گرچه همه افراد و گروه های مهم در حاکمیت در میانند از انتخابات نمایندگان واقعی مردم اتفاق نظر دارند، با وجود این در بین خود نیز رقابتی دارند و هر کدام از جناح های سیاسی دارد افراد

بقیه در صفحه ۷

گرچه هنوز بیش از دو ماه تا آخرین موعد انتخابات نمایندگان دوره دوم مجلس شورای رژیم جمهوری اسلامی فرصت باقی است، با وجود این از شش ماهه این طرفی آخوند های فرمانروا سراسیمه و در شتیا چه سرگرم آمار و کردن صحته جهت این نماینده رسوا شده باند، در کفتر کفتر رویا خطبه نماز جمعه آخوند، ماهست که در آن سخن از انتخابات بمیان نیاید بیاید و کمتر حدیله سونیرنگی است که بقصد تشویق مردم برای شرکت در انتخابات در ایوان بیاید - نامزد های مورد پسند آخوند ها بکار گرفته شده باشد. در این رابطه مشخص خمینی خود چندین بار بروی صحته آمده و ریاکارانه شرکت مردم در این انتخابات را یک وظیفهٔ تهرمی نمایاند ماست از آنان خواسته که برای خود رابه نامزد های مسلمان و مکی، یعنی کسانی که از سوی خمینی و اردو شده وی تعیین شد باند، بدهند.

مقامات رژیم ریاوتزیر از هیاهویی که

بقیه: اطلاعیه دربارهٔ صحنه‌سازی

مورد پسند خود را به مجلس شورایی فرستاد و در دوره دوم اکثریت را بدست بگیرد. همین رقابت و همچنین است که تنور تبلیغات انتخاباتی آخوند هارا بیشتر گرم کرد ما ست. مردم کردستان و سراسر ایران بیچاره دارند که در نخستین دوره انتخابات مجلس شورای ملی که بعد برخلاف قانون اساسی تمام آن به مجلس شورای اسلامی تغییر یافت، نامزد های حزب مکررات کردستان ایران در بیشتر شهرهای کرد نشین اکثریت بدست آوردند و یا به مرحله دوم انتخابات رسیدند. لیکن رژیم خمینی بنا بر ماهیت ضد مکرراتیک خود از آنجا که این نامزد ها با رأی آزاد مردم انتخاب شده و بزور تحمیل نشد ه بود ند، هیچگونه ام را به مجلس راهند ارد. در نتیجه مردم کردستان در این چهار سال هیچ نمایند های در مجلس نداشتند. حزب با اطمینان دارد که انتخابات ایسن دوره از انتخابات دوره اول بسیار غیر مکرراتیک تر خواهد بود و مردم ایران به ترتیبی امکان فرستادن نمایندگان واقعی خود به مجلس را نخواهند داشت. بعقیده ما مردم ایران تنها هنگامی میتوانند سرنوشت خود را بدست گیرند و نمایندگان واقعی خویش را به

مجلس بفرستند که رژیم خمینی سرنگون شود و بجای آن یک رژیم مکرراتیک مستقر گردد که به حقوق و آزادی های مردم احترام بگذارد. بنا به دلیل فوق، حزب مکررات کردستان ایران، انتخابات دوره دوم مجلس شورای آخوندی را تحریم میکند و از توده های شرافتمند مردم کردستان میخواهد تا آنجا که در توان دارند از شرکت در آن خودداری کنند و وضعی بوجود آورند که در روز انتخابات حوزه های رای گیری تا آنجا که ممکن است خلوت و بی مشتری باشند. با وجود این اگر اثر فشار پلیسی و بدستان، شماری از همسایگان گرامی ناچار به رفتن به حوزه ها و رأی دادن باشند، خواست ما اینست که در اینصورت در همه مناطق به تنه ها کاندیدای واقعی مردم کردستان که "خود مختاری" است رأی بدهند. بدین ترتیب با رأی دادن به "خود مختاری" در همه شهرستانها، مردم کردستان نشان میدهند که نه رژیم آخوندی را قبول دارند و نه نامزد های نامشروع آنها را بلکه در مرحله اول خواستار خود مختاری هستند تا بتوانند در مرحله دوم نمایندگان مورد اطمینان خود را به مجلس روانه کنند.

حزب مکررات کردستان ایران

اطلاعیه و فترت سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

مهمپیمان گرامسی!

مبارزه کردستان!

پیشمرگان قهرمان کردستان!

آزادی خلق خود کردند و در راه پرافتخار
مبارزه در راه دمکراسی و آزادی شهروندان
شهادت نوشیدند.

فقی عبد الله و حسین شماسی، دو پیشمرگان
نمونه بودند و فرمانده بسیار شایسته بودند که تمام
آنان برای همه مردم کردستان و بویژه مردم
منطقه سردشت آشنا است. آنان در همین حال
که از کارهای شایسته حزب بشمار میرفتند، هم
فرماندهان کاروان و لایقی برای پیشمرگان بودند
و هم در کاروان هم مشورع بودند و مستقر در پیشمرگان
تخصص داشتند. آنان محبوب، عزیز و نقطه
امیدی برای خلقشان بودند.

شاید نام فقی عبد الله و حسین شماسی
و پیشمرگان پهلایست تهروری شهید و فخرششم
به تنهایی کافی بود تا عوامل ارتجاع را با سرزده
در آورد و در دل آنها ترس و وحشت برافکند.
پیشمرگان تهروری شهید، مینه ششم و فرمانده شهید
این نیرو، همان فرزندان شایسته و سست مردم
کردستان بودند که در سال گذشته...

د فترت سیاسی حزب دمکرات کردستان
ایران با تاسف بسیار با اطلاع میرساند که در
تیران بزرگ گمشود و وحشیانه تیر و هوسای
سرکوبگر رژیم خمینی به بخش "گ... هورک
مردشت" و مقاومت قهرمانان و کم نظیر پیشمرگان
... شهید مینه ششم " در روزهای
آنروز هم و شانزدهم و هفدهم هم فروردین ماه
۱۳۶۲ فرمانده شایسته و لایق تهروری شهید
مینه ششم، عضو هیات اجرایی کمیته حزبی ریط
رفیق " فقی عبد الله محمدی " و فرمانده " در لایر
شجاع شاخه " تهروری شهید مینه ششم،
عضو کمیته حزبی ریط، رفیق " حسین شماسی "
مرا با پیشمرگان نمونه، شش فرزند راستین خلق
کرد کردستان ایران بنامهای: " محمد
تهروری "، " ابراهیم محمد ششم "، " ابراهیم
محمد زاده "، " محمد موسالانی "، " علی...

بقیه: اطلاعیه در فرسایسی

از پس گرفتن جارد و سردشت - مهاباد،
عشای و شمن قسم غورده خلق کرد نیز در ریسک
اسلامیه و بعضی ستاد مشترک به قهرمانی و
دلیری آنان اعتراف نمود.

رزم واپسگرایان مدتها بود برای حمله
به این پیشمرگان در مقصد انتقامجویی از
هدایات قهرمانانه "دارساوین" و "ریسط"
و "نمغان" و "کاکوزه" و "گردنه زمزیران"
طرح ریخته بود، که سرانجام در پورش اخیر خود
با دادن بیش از ۲۰ کشته نتوانست به این
آرزوی ضد انسانی خود برسد و مفعله صربساز
در بگورده بر کتاب سراسر خیانت و جنایت خود
بمیززاید.

برگهان از دست دادن هشت پیشمرگ
شاید نشانه نهروزی شهید دینشلم، بویژه فرمانده
تندرو فرمانده شاخه ۲ نمره خارمه بزرگسی
بشمار می آید و موجب اندوه و تأثر بسیار
همسنگران شان در صفوف حزب مکررات
کردستان ایران خواهد شد. شکی نیست که
همه آنانکه قلبشان به خاطر آزاد مردم است
میپسند در هر جای کردستان و سراسر ایران که
باشند، در رفم از دست دادن مبارزان
اینهمین شایسته عزادار و متالم خواهند

شد. از همین رو لازم میدانیم که در همینجا
هنه عاشقان آزادی و سگراسی و حقستون
دار لانه خلقهای ستم بد را مطلق سازیم
که سنگراین فرزندان شهید مردم کرد و قهرمان
په پیچوبه خالی نخواهد شد و اسلحه دست
آنان بر زمین نخواهد ماند. فقی عبد الله
حسین شمسی در طول پنج سال مبارزه و
مقاومت خونین در برابر ارتجاع حاکم، در هپسا
و صد های پیشمرگ شایسته در زیر دست خود
تربیت کرد مانند که هر کدام از آنان خود میتوانند
فقی عبد الله و حسین شمسی را بگری باشند.

رزم خمینی با شهید کردن فقی عبد الله
و حسین شمسی و همسنگران شان هیچگاه
نمیتواند خاطر آسود پیدا کند که جنبش
آزاد بخوانان مردم کردستان را از پارتیکست
و عقب نشینی رحتی باس نمود فاسته مسا
تروی بی بنداریم که پیشمرگان قهرمان کردستان
و مخصوص مبارزان بر صلاحیت نهروزی شهید مونس
شلم بسیار زود این حقیقت را بد و مست و
دشمن ثابت خواهند کرد و نشان خواهند داد
که همچنانکه شهادت "هزار" و "مانسم" و
"اقبال" و "قادر" و "حسام" و "شوان"
در هپسا فرمانده نخبه دیگر اثری در وجهه
پیشمرگان در میدان مبارزه بسراسر آزادی و

بقیه: جنگ ایران و ...

بما قهار مبین ما وارد آمده . ممکن بود برای
سهیلیون خانواده یعنی برای ۱۰ میلیون نفر
خانه‌ها درین وجهت سازد.

جنگ با عراق از این نظر فاجعه‌های بشمار
می‌آید که از بدگام مردم ایران جنگی است
بمعنا و بی هدف . هدف فحاشی را که رژیم خمینی
برای جنگ اعلام میکند از قبیل آزادی عتبات
مقدس و عراق و عبور از طریق کرمان به هند و
تنها برای بسیج توده‌های ناآگاه و اعزام آنها
به جبهه‌های جنگ است .

کافی است بهین حقیقت ساده اشاره
کنیم که شروع و تداوم جنگ برعکس بعد ولست
اسرائیل کمک کرد که عراق لبنان را اشغال کند
و به سازمان آزادی بخش فلسطین ضربات
شدیدی وارد آورد . در واقع جنگ علیه عراق
نه در جهت تقویت مبارزات مردم فلسطین و
تضعیف اسرائیل ، بلکه در جهت آزاد
گذاشتن دست اسرائیل به منظور سرکوب
جنبش مردم فلسطین انجام گرفت .
شکفت انگیز می‌بود اگر اسرائیل به
آزادی قدری به طور منظم اسلام را اختیار
جمهوری اسلامی میگذاشت .
و اما شرایطی که گامیگام رژیم برای

پایان دادن به جنگ با عراق قابل پیشگویی
شرایطی غیر قابل قبول است : جمهوری اسلامی
تقاضای رها می‌نماید دلار غرامت جنگی
از عراق میکند بدین اینکه حاضر نیست
در این مورد به مذاکره بنشیند . تازه برای
در یافت همین غرامت ، جنگ را ادامه میدهد
و در نتیجه بوجهت از خسارات می‌افزاید
جمهوری اسلامی خمینی شرط صلح با عراق را
خروج نیروهای عراق از خاک ایران قلمداد
میکند . بلندگویان رژیم خمینی هر چند از عساکر
میکند که گویا هنوز هم بخشی از خاک ایران
در اشغال نیروهای عراق است ، لیکن خسارت
خوب میدانند که این ادعای روشی پیش نیست
و هم اکنون به اعتراف مردم ایران رژیم خمینی
بخشی از خاک عراق در منطقه حاج عمران
و در بند خان و شرق بصره ، تحت اشغال
نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قرار گرفته
است . شرط دیگر رژیم خمینی برای صلح با
عراق ، بیشتر به شوخی میماند . مردم ایران
رژیم خمینی میگویند تنها هنگامی حاضرند با
عراق در میز مذاکره بنشینند که رژیم کمونیست
عراق شرایط آنها را بپذیرد . برای شرایط
هم علاوه بر در و شرط فزاینده رژیم
پیش میکنند و آن اینکه رژیم کمونیست

بقیه: جنگ ایران و ...

باید سرنگون بشود یا کنار رود. یعنی کارگردانان جمهوری اسلامی میکنند که آمار ناند بار ولت عراق صلح کنند بشرطی که این دولت وجود نداشته باشد. این منطقی چنان بی پایه است که هستی برخی از سردمداران رژیم نیز متوجه پوچ بودن آن شده اند. به همین جهت ناچارند شرط سوم را به طریق دیگری مطرح سازند. آنها خواهند خواهان سرنگونی رژیم کمونی عراق و سرکار آوردن یک جمهوری اسلامی، یعنی در واقع یک دولت دست نشانده در آن کشور هستند. خمیر و خمینی در این مورد تردیدی باقی نگذاشته و آشکارا از آن میگوید که هدف از جنگ، خارج ساختن قدرت از دست صدام حسین و حزب بعث است، ماکم در عراق میماند.

اما تاکنون رژیم خمینی نند را سرنگونی یعنی ها در عراقی موفقیتی بدست آورده و نه قدرت پیشروی در خاک عراق را داشته است. در واقع خمینی در مسئله جنگ با عراق به بن بست کامل رسیده است؛ چرا که از سرگیری هدف اصلی جنگ را سرنگونی دولت کمونی عراقی قرار داده و از سوی دیگر هم تحقیق

این هدف برایش میسر نبود ما ستاد شاید هم برای خرابی از این بن بست است که رژیم خمینی آنچه نیروی مادی و انسانی و اختیارات دارد برای جنگ با عراق بسیج نمود ما ستاد اما نیروی انسانی که عامل برتری در جنگ همیشه عراق بود اینک به سرعت به تحلیل میرود و حالا دیگر جهانیان نیز میدانند که خمینی اجباراً نوجوانان یازده تا چهارده ساله را به جبهه ها میفرستد.

در مورد نیروی مادی هم رژیم خمینی نتنها بخش اعظم درآمد ارزی حاصل از فروش نفت را به هد فهای نظامی تخصیص داده بلکه تمامی ذخائر موجود کشور را نیز صرف حفظ حاکمیت آخوندی و هزینه های جنگی و هد فهای کشورگشایان خود نمود و میباید مارا به روز سیاه نشانده است.

در ارتباط با جنگ ایران و عراق توجه به سه ترکیب لشکریان خمینی، به درك نقاط ضعف جمهوری اسلامی کمک میکند. لشکریان خمینی عبارتند از ارتشیان، پاسداران، بسیجیان، ژاندارمها و جانشینان، کمروم آنانرا پیشمرگان مسلمان خطاب میکند. در جبهه های شمالی پروژه در ریوان شهر رود شده دیگر به اینسان اضافه شده اند که عبارتند از: جانشینان

بقیه: جنگ ایران و
.....

قیاده موقت و اسرای عراقی که رژیم اسلامی آنانرا
 رزندگان مسلمان عراقی مینامد. بدین ترتیب
 واضح میگردد که رژیم خمینی هر آنجا که نیرویی
 سراغ دارد ولو اینک این نیرو ناچیز باشد،
 آنرا به جبهه جنگ گسیل داشت است.
 لیکن بطریق بسیج تمامی قدرت مادی و
 انسانی و بطریق اینکه از طرق مختلف به تهیه
 مهمات و تجهیزات جنگی پرداخته و بطریق
 گسترش تبلیغات در روغن در مورد جنگ و
 سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی توده های
 مردم برای پیشبرد هدفهای نظامی، لشکریان
 خمینی همچنان در جبهه ها درجا میزنند و
 با اینکه تلفات سنگینی متحمل شده اند قادر
 به پیشروی در داخل خاک عراق نگردیدند.
 از اواخر بهار سال گذشته رژیم خمینی
 جنگ را به بخش مرکزی کردستان ایران گشاید
 و جبهه های جدیدی در سردشت و
 پیرانشهر گشود. ظاهراً قصد رژیم خمینی
 این بود که از یک سو با طولانی نمودن هر چه
 بیشتر جبهه نیروهای عراقی را متحد ممکن
 بیاورد و از سوی دیگر با اشغال بخشی
 از خاک عراق هر چند کم مساحت این
 خاک معدود باشد، تئورای عالی اسلامی عراقی

را که بعد ستور خمینی تشکیل شده بعد الحسل
 خاک عراق انتقال دهد و دولت موقت
 جمهوری اسلامی عراق را رسماً اعلان نماید.
 رهبران خرد فروش قیاده موقت به آخوند خراسانی
 حاکم در تهران تلقین نمود بودند که اگر
 جنگ بعد داخل کردستان عراق کشید میشود
 احتمال دارد از حالت رکود و بن بست موجود
 خارج گردد، چرا که به زعم رهبران قیاده
 موقت، اولاً در صورت ورود لشکریان خمینی
 بعد الحسل خاک کردستان عراق، مردم
 کردستان با آنها همراهی خواهند کرد؛
 و ثانیاً جاهای نخی کرکوک که هم اکنون
 تنها منبع صدور نفت عراق بشمار میرود و
 در این منطقه قرار دارد، آسیب پذیر میگردد و
 سیر حوادث نشان داد که هیچکدام از این
 هدفها قابل دسترسی نیست.

البته رژیم خمینی از گشودن جبهه جدید
 در کردستان علاوه بر هدفهای فوقی، هدف
 مهم دیگری را نیز تعقیب میکند و آن فرسایش
 زدن به جنبش ملی - دموکراتیک مردم کردستان
 است. حاکمیت آخوندی کوشش میکند از این
 امر از لحاظ سیاسی بهره برداری کرده و چنین
 وانمود نماید که جنبش اصیل مردم کردستان
 کنز دیک بهمنج سال است قهرمانانده در برابر

بقیه: جنگ ایران و
.....

یورش سببانه لشکریان خمینی مقاومت میکند و ابسته به بیگانگان است. هیاهوی کوه تا بستان سال گذشته رژیم در رابطه با کشف مرکز تغذیه ضد انقلاب در حاج عمران برآورد اخت، به خوبی بیانگر این واقعیت است. البته رژیم خمینی برای اثبات این ادعاهای خود کوپیکرین مد رکی ارائه نسیسد او نمیتوانست هم ارائه بدد. همه حتمی سردمداران رژیم نیک میدانند که مرکز جنبش ملی - مکرانیک مردم کردستان در داخل زمین مال ایران، در رینن جامعه و در قلب توده ها قرار دارد. این جنبش از شتیانسی توده های میلیونی مردم کردستان برخسورد است و هر روستا و هر کوه و تپه ای برایش پایگاه بشمار میرود. رژیم آخوندی از گشودن جنبش در مناطق پهرانشهر و سردشت علاوه بر همه آنچه گفته شد، در تعقیب هد فهای نظامی هم هست. رژیم خمینی کاملاً آگاه است که افراد نیروهای مسلح او به جنبش علیه خواسته های برحق مردم کردستان گذرد مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان خلاصه میشود. علاقه چندان از خود نشان نمیدهند از همین رو سردمداران رژیم

سعی دارند به لشکریان گسیل شد به کردستان بقبولانند که مقصود از اعزام آنها جنگ با عراق است نه علیه مردم کردستان. بارها دیده شد که آخوند ها و فرماندهان در منطقه سردشت و پهرانشهر و مناطق دیگر به ارتشیان ریاسد ارانی که به اسارت پیشمرگان در آمد ماند، چنین تلقین نمود ماند که پشت این سلسله کوه یا آن ارتفاعات کهد همسایه کیلومتر با خاک عراق فاصله دارند - یکی از شهرهای عراق قرار دارد و بدین ترتیب به آنان را ظاهرآ به جنگ با عراق ولی عملاً به جنگ علیه مردم کردستان ایران و پیشمرگان فرستاد ماند. بطور کلی منظور رژیم خمینی آنستکه جنگ علیه مردم کردستان را پنهان نگاه دارد و در زیر سر پوش جنگ با عراق، جنگ ضد خلقی خود را بمنظور سرکوب جنبش مکرانیک خلق کرد ار امید هد، روستاهای کردستان را با تاش بکشد، مردم بهید فراع را قتل عام کند و سیاست ژنوسید و یانایسوری کامل خلق کرد را پیاورد نماید.

موضع حزب مار در مورد جنگ با عراق

از نخستین روزهای آغازان کاملاً روشن بود. ما برخلاف بسیاری از سازمانها تیکه هم آکسورن بر علیه رژیم خمینی پیکار میکنند و حتمی

بقیه: جنگ ایران و

بهباززهٔ مسلحانه دست زد ماند ر آن هنگام
 ر چهارمین پرستی کاندب نشدیم . ما گفتیم و
 اعلان کردیم که حاضریم از مین خود ایران
 ر دفاع نمائیم، بشرطی که جمهوری اسلامی
 خواستهای حزب ماراد رمورد خود مختاری
 بپذیرد؛ همچنین گفتیم و اعلان کردیم که
 بهیچوجه آماد نیستیم بدون تضمینهای
 کافی برای استقرار د مکراسی ر ایران، برای
 حفظ حاکمیت و افسرگری آخوند ها
 بجنگیم . اکنون که سه سال ونیم از جنگ
 ایران و عراق میگردد صحت موضع گیری حزب
 ما برجسته تر از پیش چشم میخورد و بسیاری
 از سازمانها و نیروها و شخصیتها به موضع حزب
 ما گردید هاند و سیاست جنگ طلبانه خمینی و
 ر ارد ستایش را محکوم میکنند .

حالا د یگر کاملاً آشکار گردید که رژیم
 خمینی، رژیم بحران و جنگ است. رژیم
 است بحران زا و جنگ افروز کفنها با وجود
 بحران و جنگ قادر به ادامهٔ حاکمیت خود
 میباشد . خمینی صراحتاً میگوید که جنگ
 نعمت الهی است و به جوانان توصیه میکند که
 تنور جنگ را گرم نگاهدارند . تاریخ بشریت
 عنصر جنگ افروز و جنایتکاری چون خمینی را
 کمتر میابد ر ارد؛ چرا که خمینی جنگ را برای

جنگ میخواهد . جنگ برای خمینی وسیله
 نیست، بلکه هدف است و همین جهت
 از بدکشتن ر اردن صد ها هزار اگر لازم باشد،
 میلیونها نفر از جوانان ایرانی ندارد . یکبار
 ر یک صحت این نظر حزب ما با اثبات میروند که
 تا خمینی بر مین ما حاکمیت دارد جنگ ادامه
 خواهد یافت .

خمینی با تد او پیششیدن به جنگ، بر مشکلات
 اقتصادی و اجتماعی رژیم خود سرپوش میگذارد .
 بهنام جنگ و با این دیدگاه که جنگ اصل
 است، خواستهای زعمتکشان را با اغتشاش و
 خفقان و غالباً با کلوله پاسخ میدهد . جنگ
 به خمینی امکان میدهد تا جز خفقان را همچنان
 بر جامعه مسلط گرداند و هر خواستهٔ مشروعی
 را سرکوب نماید . خمینی از ارتش منتظر
 بیگاران که حاصل سیاست بحران زای رژیم
 آخوندی است، بعنوان گوشت طعمهٔ سوسورها
 استفاد میکند و آنها را روانهٔ جبهه ها مینماید .
 جنگ هم زائیدهٔ رژیم ولایت فقیه است
 و هم مکمل آن . جنگ رژیم خمینی با هم
 ارتباط ارگانیک و ناگسستنی دارند و نه رژیم
 خمینی بدون جنگ میتواند به حیات خود ادامه
 دهد و نه جنگ بدون خمینی قابل دوام
 است .

بقیه: جنگ ایران و ...

باند اوام جنگ، خمینی که سعی
 در آوردن تشدید تضاد های دینی قدرت
 حاکم بکاهد، جنگ را چون شمشیر موکبوس
 زشتیها بر بالای سرفخالین خود، بلکه همه
 کسانی که با او ولو در مسائل جزئی اختلاف نظر
 دارند، نگاه اشتهاست.

خمینی هنوز هم به ارتش و ارتشبدستان
 الطمینان ندارد. جنگ به او امکان میدهد
 ارتشیان را در مرزها مشغول کند و آنها را
 دور از شهرها و مراکز قدرت نگاهدارد و خطر
 کودتاهای نظامی را به حداقل برساند.

جنایات که نظیری که آخوند هاد زعفر
 پنج سال تسلط خود بنام اسلام بر تکیب شدند
 و بهره کرده حاکمیت ولایت فقیهی را آشکار
 ساختند، موجب گردید که رژیم خمینیستی، در
 خارج کشور نیز همانند داخل
 کشور جان به خور را از دست بدهد و سه
 عنوان رژیم فیدخلقی ضد انسانی شناخته
 شود. به همین جهت خمینی جز از راه جنگ
 قادر به صدور نظریه ولایت فقیهی کنسام
 آنرا انقلاب اسلامی گذاشته، نمیشاید. اگر
 خمینی در جنگ پیروزی بدست بیاورد پایه های
 لیزان رژیم خود را تمکیم خواهد بخشید.

تصادف نیست که گردانندگان رژیم
 آخوندی شعار "جنگ جنگ تا پیروزی"
 را سر میا دهند.

لیکن همچنانکه گفتیم رژیم خمینی در مسئله
 جنگ درین بستر قرار گرفته است، شکست های
 بی روی، نیروی مادی و انسانی را به تحلیلهل
 میرسد و نارضائی خود ما را افزایش میدهد.
 تظاهراتی که در ماههای اخیر در سیاری
 از شهرهای ایران انجام گرفته است، نمونه های
 از این نارضائی را بدست میدهد و درین مورد
 در آینده نارضائی ابعاد گسترده تر و اشکال
 افتراخی شدیدی بتری بخود خواهد گرفت.
 بتدریج مردم کشور را دارند درک میکنند که
 بسیاری از نصیبتها که چارشان شده ناموسی
 از جنگ است؛ به همین جهت کم کم
 در تظاهرات شعارهائی علیه جنگ دیده
 میشود، اما هنوز شعار صلح آنچنانکه لازم
 است، در توده ها رسوخ نکرد و اهمیت این
 شعار حتی برای بسیاری از مخالفان خمینی نیز
 روشن نگردیده است. اگر چه بریم که خمینی
 بدون تد اوام جنگ نمیتواند به حاکمیت خود
 ادامه دهد، پس شعار صلح، شعاری است
 که تحقق آن شرایط سرنگونی رژیم خمینی را
 آمار میکند. به همین دلیل در مقابل شعار

سازمان خنیش ملی و کراتیک خلق کرد

بقیه: جنگ ایران و ...

"جنگ جنگ تابیروزی": باید صلح
 صلح ناخمنی سرنگون گردد " راسر داد
 اگر صلح در میان تودهای وسیع
 خلقهای ایران نفوذ کند، تبدیل به نیروی مادی
 توانائی خواهد شد و رژیم رادرتنگای شدیدی
 قرار خواهد داد. از همین دیدگاه بود که حزب
 ما از اقدام شورای ملی مقاومت، بمنظور متوقف
 ساختن جنگ و استقرار صلح عادلانه با عراق
 پشتیبانی نمود، چرا که چنین مساعی
 خلقهای ایران و عراق و همزمان رژیم جنگ افسروز
 خمنی است.

البته جنگ ایران و عراق با زتاب گسترده ای
 در رخاوریانه و در سراسر جهان دارد. اروپا و
 آمریکا این جنگ را جنگ خلیج مینامند،
 خلیج فارس که منبع مهم نفت و شاهراه مهم
 کشتی های نفتی است، برای اقتصاد کشورهای
 پیشرفته سرمایه داری اروپا و آمریکا و ژاپن
 اهمیت حیاتی دارد.

از سونی قدرتهای بزرگ سرمایه داری از
 توسعه جنگ بهد یگر کشورهای خلیج در عراضند
 و از سوی دیگر امپریالیسم و یوزها امپریالیسم
 آمریکا اوم جنگ را برفع خود مینماید.
 امپریالیسم آمریکا از جنگ ایران و عراق چسبون

آتوئی بمنظور فشار بر کشورهای عربی خلیج
 استعمار میکند، و آنها را رادار به قبول
 نقشه ریگان در لبنان و فلسطین بنمایند.
 باید از دان کرد که در این زمینه آمریکا همیشه
 به کمک اسرائیل، موفقیت های چشمگیری بدست
 آورده اند. از سونی موفق به تضعیف عراق
 شد مانند که پس از مصر نیرومندترین کشور
 عربی است که قادر بود در مقابل اسرائیل
 قدم کند (بیاد بیاوریم که چگونه اسرائیل
 با استفاده از جنگ ایران و عراق مرکز اتعسی
 عراق را ریختند و بسیاری از سونی
 دیگر آمریکا و اسرائیل تاکنون در فلسطین و
 فلسطین به بسیاری از هدف های خود از جمله
 اشغال نظامی لبنان بوسیله اسرائیل
 و بیرون کردن مبارزان فلسطینی از هر سرپوشه
 ایجاد اختلاف در درون سازمان آزاد بنفس
 فلسطین، بمنظور تلاش ساختن آن در مسست
 یافته اند.

انحصارهای جنگی آمریکا از این جنگ
 سودهای کلان، به جیب زد ماند. تا پنسدی
 بخش اینان از طریق اسرائیل و کشورهای
 دیگر بنا بران اساحف فروختند، و این اکنون که
 رژیم خمنی راه راه برای نزدیکی با آمریکا
 کاملاً هموار نمود، دست مستقیم از آمریکا

بقیه: جنگ ایران و روسیه

اسلحه میخرند.

لیکن بحکم سیاست ماجراجویانه و نقش نیروی زمینی رژیم خمینی در سطح بین المللی که موجب تذکر افکار عمومی جهان و از جمله آمریکا از خمینی گردیده، دولت آمریکا جرأت پشتیبانی مستقیم از رژیم خمینی را ندارد.

از سوی دیگر آمریکا از سیاست رژیم در منطقه خلیج فارس بیسازگاری است و بهر حال پس از تهدید بیکی که در مورد بهمنیاران تأسیسات نفتی در "جزیره خارک" به وسیله هواپیماهای سوپر اتاندار از سوی عراق بعمل آمده، این خطر وجود دارد که در صورت اجرای تهدیدات عراق، جمهوری اسلامی "تنگه هرمز" را بر روی همه گتیمهای نفتکش بپندد و بدین ترتیب منافع کشورهای غربی اروپا و آمریکا را بنظر میآید از ادامه جنگ برای کشورهای صریح خلیج خطرات جدی در بر دارد و این کشورها هم از بروز این احتمال بر سر هراسناکند چرا که خوب میدانند در آن صورت رژیم خمینی موجودیت همه آنها را تهدید خواهد نمود و هم از مسدود شدن تنگه هرمز

واحد دارند، چرا که چنین اقدامی هم منافع اقتصادی آنها زیان وارد میسازد و هم امکان گسترش جنگ را به دیگر کشورهای خلیج فراهم میآورد. مجموعه این عوامل گفتمان آنها را بشود روی مسئولیتی و جنگ طلبی رژیم خمینی درازند، سبب شده است که آمریکا با الزام آمریکا با آنها برسد و همکاری کشورهای سرمایه داری و دیگر کشورهای کشورهای امپریالیست های غرب نفت خیز خلیج، ناوگان جنگی خود را در خلیج و اطراف آن متمرکز سازد و بدین ترتیب با تهدید نگهداری از تنگه هرمز و حفظ شاهراه نفتی خلیج، تسلط نظامی خود را بر خلیج فارس استحکام بخشید. بطور کلی به سبب بحران عمومی رژیم خمینی سیاست ضد خلقی آن، هیچ نیروی قادر به نجات رژیم آخوندی از این بدست جنگ نیست. اگر عاقلان حقیقت نیر توجه کنیم که خمینی ناپسند است بخش بزرگی از امکانات مادی خود را به جنگ علیه مردم کردستان تخصیص دهد و برای حفظ موجودیت خود در شهرهای کردستان و نگاهداری جاده ها و جراسات از پایگاهها، بدنها هزار نفر نیروی مسلح نیازند است و همچنین پیکار جوشی پیشمرگان در لیر و قهرمان کردستان را مد نظر قرارید هم که هر روز ضربات جبران ناپذیری به نیروی پراکنده رژیم در سراسر

استقلال و دگرگونی دو اصل مهم

بخشی از افتخارات حزب دموکرات کردستان ایران تا به حال از این واقعیت سرچشمه گرفته است که این حزب اقتصاد خلیل ناپذیری را استقلال و دگرگونی دارد و برای دفاع از این دو اصل به پای شایسته‌ای هر دو اختیاری را می‌توانیم و استقرار آنها لحظه‌ای منتظر نگردد است.

نگرده ششم حزب ما با توجه به چند منفذ که همراه سایر اسناد نگره چاپ و منتشر شد مانند بار دگرگونی دو اصل را مورد تأکید قرار داد و در چندین جلسه از محتات طولانی، نظرگاه‌های حزب در رابطه با استقلال و دگرگونی را روشن گردانید. با توجه به این مسئله در اینجانب نیز خواهیم بحثی کلی در باره این دو اصل را مطرح نمایم و نتیجه‌ای را که نگره در این باره آن دست یافته است روشن سازیم:

اول: استقلال

در آنقضه‌ها از سیاسی مآلود و غبار گرفته اوایل انقلاب خلیق‌های ایران در رابطه با "استقلال"، نظرگاه‌ها و تحلیل‌های بسیار

متفاوتی وجود داشت. بارهای از سازمان‌های سیاسی "استقلال" را در آن مورد پدید گذارد چهارچوب سازمان مربوطه و خود را محسوس سازند و تمامی کانال‌های ارتباطی با سازمان از این چهارچوب را بر روی خود ببندند و چنین موضعه‌گیری‌هایی بعضی از هر چیز ناشی از ترس و هراسی بود که چندین عهد سال سلطنت در ولت‌های ضد خلقی و وابسته به بیگانگان در دل تسلسل تک آحاد و افراد میهنیان ایران گاشته بود.

بی تجربگی در سیاست و فقدان توان از این سن و ملاک‌هایی که در شنا سیاسی در دست بود شمسین کلکی بنماهد، دلیل دیگری بر این امر است. علاوه بر آن، وابستگی حزب بوده به عنوان رساله حزب که بی‌روسی سابقه بهمانند از نمای سازمان‌های سیاسی دگرگونی می‌نماید و گویای این امر باور بودند داشتن هر نوع ارتباطی با دشمن منیمی ریزی می‌نماند مرحله‌ای خواهد بود که حزب بوده به آن رسیده است و نتیجه‌اش "استقلال سیاسی شان را به‌شکل خود خواهد انداخته

بقیه: استقلال و.....

استقلال سیاسی:

لیکن حزب دمکرات طریقه تصمیم
برپیمه ها تا آنکه بدلیل شکستن این مرزها بستان
میزدند و با وجود مشکلات و معضلات فراوانی
که در این براب وجود داشت، حاضر نشد خود را
در چهارده روزی سازمان خود محسوس و
زندانی نماید. حزب ماکوستی، در شش ماه و
چهارمندی را از هم تفکیک نمود و با شهادت
بایستید، مرز خود فاعل هر یک از آنها را
مشخص کرد و بر مبنای آن روابط سیاسی خود را
بمنفع خلقی کرد و سایر خلقهای ایران، با احزاب
و سازمانهای مترقی و مبارز ایران و جهان تحکیم
پیشید و آنرا اد اهدان.

حزب برای دفاع از استقلال خود در
زمینهای سیاسی، اقتصادی، نظامی
و فرهنگی، قیمت گزافی پرداخته؛ مشکلات
زیادی متحمل گشته؛ در راه پرمشقتی را
طی کرد. ماست. حزب هم در میان ارکانهای
خود مبارزه کرد و هم در راه بر تمانی آندسته
و گروههایی که خواب لکند از نمودن خط مشی
اقتصادی حزب دمکرات کردستان ایران را
میدیدند شدت بدقابها برخاسته است و
همانگونه که زیلا اشارت خواهد شد در حفظ
استقلال خود کوشیده ماست:

تصمیمات مستقل: پیشگیری از زید اغلات
این و آن در امور حزبی، اجتناب از الگوسازی،
و موضع گیریهای (سیاسی) با در نظر گرفتن
شرایط کشور و مبنای منافع خلقی کشور
و خلقهای دیگر ایران، یکی از آنهدید مبنای
مهمی است که تا بدامروز در امری سیاسی
سیاستهای حزب مشاهده شده ماست.
ارتباط با سازمانها و احزاب خارجی
بر مبنای منافع جنبش ملی و دمکراتیک خلقی
کرد و جنبش آزاد، خواهانه، سراسری (ایران)
با عضویت به این اصل مهم گفتگیها و حمایتهای
این قبیل سازمانها هرگز نباید به چنان درجهای
برسد که استقلال حزب را به سفاک سرقاتند از و
تغییرها به این مسئله که پیوند حزب با
دوستان خود باید بر مبنای مسد اقت و صراحت
باشد، بهترین شیوه را این زمینه بود ماست.
از اینرو حزب موفق شد ماست کرد و میان
احزاب و سازمانهای سیاسی خارجی ارزش
و اظهار شایان توجهی کسب نماید. در
مباحثات کنگره از رهبری آینده ماست
درخواست شد در روابط خود با دوستان
حزب به چنین شیوه منطقی و معقولی اد اهد
دند و مخصوصاً با سازمانهایی که میتوانند



بقیه: استقلال و.....

عم پهبانان امیران ترک حزب باشند، روابط
 عربچه مستحکمتری برقرار سازد، کنگره مؤکداً
 از جمهوری حزب خواستار گردد که مانند گذشته
 به بازت خود طبعاً مابین الحزم و نوکسیران آن
 پیگیرانه ادامه دهد؛ روشهای راهبستگی
 کشورمان را شناسائی و آنها را نابود سازد؛
 کسانی را که با ظاهره جانبداری از انقلاب
 در میان انقلابیون و مبارزان راستین جا خوش
 کرد و در واقع گریزگانی هستند، کدر و سست
 موش فرود بمانند، به خصوص افراد یکجانبه
 حاضرند دست گمک بسوی مابین الحزم
 نیز دراز کنند اقتضای طرفین است؛
 کاری که درون تودید کسب بسیار و تری بس
 پاکسازی جنبش و حفظ استقلال آن خواهد
 کرد (همچنانکه تا بحال چندین دستورگروه
 از این قبیل را کاملاً خفتی نمود ما سست)
 بالاخره حزب باید بفرود تمام افرادی که
 صرفاً در فکر تأمین منافع خصوصی هستند
 و میخواستند با سرنوشته خلقشان معامله
 نمایند، سرسختانه مبارزه کند.

روایت حرمت و ستان بالقوه خلقهای
 تحت ستم مانند کشورهای سوسیالیستی و
 جمعی از عوامی بخش خلقهای ستم

بدین آنکه در میان استقلال حزب و ستان را
 خدشه ارسازد و خست مثنی و ستانی بدور
 از هر نوع ریاکاری و پیاکرمثنی کتابها و روز حزب
 در مسیر آن گام برداشته است، باید بدست
 کوپاکترین تغییر و ده چنان ادعا نماید.
 واقعیت اینست که انتخاب و ستان و
 هم پهبانان در رهعه بین الطالی از جانب حزب،
 با استقلال کامل صورت گرفته و در گن مناط
 خدش آمدند و ستای و یا منظور خدش
 با گروید بگری انجام نشد ما سست؛ در راه
 صرفاً منافع خلقمان مد نظر بود ما سست؛
 منافی که حزب در مکررات به آنها استقامت
 راسخی دارد.

استقلال اقتصادی

اتکا به تودیدهای مردم زمینگن کردن ستان
 و زمینه اقتصاد، رعایت اصل خود کفایی
 در اداره زندگی، کاهش رها و بنسیرگان حزب،
 صرفه جویی در مصرف اموال حزب و بدست
 یا زندگی ساده از جانب کار رها و پیشروگان
 (هر چند با مشکلات چندی همراه بود ما سست)
 بر استقلال حزب و زمینه اقتصادی اشورات
 بسیار مثنی داشته است. بدست ماب آوردن
 ککهای و ستان حزب بعنوان یک پارانش

بقیه: استقلال و.....

فرهی و مساعد و آنها را سرچشمه‌های اصلی
 در آمد حزب قلمد از نلردن و بالاخره بر ناعسه
 مالی حزب را بر اساس کمکهای مردم مگداشتن ،
 قد مهائی بود فاند که توانستند و میتوانند
 استقلال حزب را در این زمینه حفظ نمایند .
 البته این بهد ان معنی نیست که حزب برای
 بهد کردن کمکهای مالی از منابع دیگر کوشش
 ننماید ، منابعی که بدون قید و شرط حاضر
 در آن کمک مالی باشند و نخواهند جنبش ما را
 بهایز و وسیله مورد معامله قرار دهند . حزب باید
 کوشش کند چنین کمکهای بی قید و شرطی
 را به دست آورد تا بتواند زندگی کاررها و
 پیشمرگان خود را به بهترین حالت نماید و امکانات
 لازم برای ادامه مبارزه فراهم سازد .

استقلال نظامی:

طی چهار سال ونیم مبارزه مسلحانه
 خونین طبعی نیروهای سرکوبگر رژیم خصیستی تنها
 نیروی شقیان حزب و جبهه پیش خلقان ،
 نیروی پیشمرگان و توده‌های مردم در صفوف
 نیروی دفاع صمصصلی بود فاند . با
 خوشوقتی تمام باید گفت که در این مدت
 توانستیم بدون دخالت هیچ نیروی دیگری

در رسیدن مبارزین ، در برابر یورش سبعانه رژیم
 خصیستی مقاومت نمائیم . از نظر امکانات نظامی
 نیز بخش اعظم نیازمند بهایز نیروهای پیشمرگ ،
 از طریق تصخیر یا دگانها و پایگاههای دشمن
 در ستاورد های پیشمرگان در جنگ علیه نیروهای
 دشمن تأمین شد فاست .

تا کیکی که حزب از یکسال قبل اتخاذ کرده
 و آزمایش آن موفقیت آمیز بود فاست (تا کییک
 جنگ پارتیزانی) ، در همان حالیکه کاهش
 فوئی العاد های در مصرف مهمات را بهد نبسال
 در اشتماست ، در ستاورد پیشمرگان نیز
 به همان نسبت افزایش پیدا کرده فاست و همگام
 با آن تلاشات پیشمرگان بسیار کثرت یافته فاست
 دشمن بیشتر شد فاست . شکی نیست که تا کییک
 تا کییک باید در زمین تمام نیروهای پیشمرگ
 تصمیم باید و ایمان به نیروی خلقی و پیشمرگان
 کرد حتان همچنان مستحکم و خلل ناپذیر
 بماند ، چرا که از نظر نظامی چنین نیرویی است که
 میتواند استقلال حزب و جنبش خلقان را تضمین
 نماید .

استقلال فرهنگی:

هر جنبشی بهر آن خلقی یا با یک طبقه استگسی
 دارد و با بهره‌جویی از فرهنگ سیاسی ویژه آن

بقیه: استقلال و.....

خلق یا طبقه مربوطه آرمانها و خواستههای خود را مطرح میسازد. نشخوار لغات و ادبیات احزاب و سازمانهای دیگر و استقار ماژ شمارهای مربوط به احزاب دیگر در بسیاری از موارد باعث پیدایش اشتکات هائی در معنا و مفهوم آنها میگردد، چرا که امکان دارد این قبیل اصطلاحات و عبارات با خواستههای مادی جنبش یا خط مشی سیاسی چنین حزب و سازمانی همسانی و هم آهنگی نداشته باشد. حزب ما همواره سعی بر آن داشته است که برای تجزیه و تحلیل و طرح اهداف سیاسی خود قبل از هر چیز فرهنگ ملی خلق کُرد را بصورت منبع استخراج لغات و اصطلاحات سیاسی مورد استفاده قرار دهد و در انتخاب شعارها نیز خواست مادی خود و مای مردم کُرد ستان را همیشه در نظر داشته است. علاوه بر آن تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی بهزیانی بسیار ساده و پیشروهای که بتواند اعتقادات و نظرات ترقیخواهان را بر میان نمود و مای خط مشی مورد بهره برداری از بهترین شیوههای کار سیاسی است که حزب ما در هر اقصائی بکاربرد ماست و لازم است آنرا بیکرانه ادامه و توسعه دهد. چنین کاری علاوه بر آنکه منافع سیاسی

چشمگیری دارد، به استقلال حزب نیز تاثیر میگذارد، چرا که بدین ترتیب حزب مجبور نخواهد شد بمنظور دست یابی به اهداف سیاسی به این یا آن منبع که بمیل خود لغات و اصطلاحات سیاسی را تفسیر و تعبیر مینماید پناهمبرد. بطور خلاصه هر حزبی که خواهد جنبشی را رهبری کند و استقلال خود را حفظ نماید، باید دارای فرهنگ سیاسی ویژه خود باشد فرهنگی که با فرهنگ خلق یا طبقه تحت رهبری آن همخوانی داشته باشد.

بدین ترتیب از دیدگاه حزب د مکررات کُرد ستان، که کنگره ششم نیز در بکر بکر آن مبرتا بد گذشت، دفاع از استقلال حزب در زمینههای یاد شده وظیفه رهبری حزب است و باید با دقت تمام مورد توجه قرار گیرد.

رؤم - د مکررات

د مکرراتی که حزب د مکررات کُرد ستان به آن اعتقاد دارد، د مکرراتی وسیعی است که در رتوان طبقات و اقشار مختلف جامعه به سه آرمانهای خود خواهند رسید و خلقهای تحت دست و پند از استعمار ملی رهایی خواهند یافت و بطور کلی تمام انسانها بدین هر یک گونه آفرینش از صفی واحد و دارای حقوق برابر و زندگی عوامانه و همبستگی سعادت و بختیاری خواهند بگردید و بکشند و

بقیه: استقلال و.....

همه یکس بحساب زحمات د یگران زندگسی نخواهد کرد. بدین خاطر است که حزب ما اهمیت زیادی بهد مکرسی میدهد و سالهای سال است که شعار: "مکرسی برای ایران" را اهل کرده و در راه به دست آوردن آن سرسختانه مبارزه میکند.

مناصفانه دید لیل سابقه طولانی د یکتانوری د رمیهن مانا بحال د مکرسی مورد آزمایش قرار نگرفته است. بارها چهارچوب و اصول د مکرسی مخدوش شد و روشیهای گوناگون طلب و مطرح گردید ماست. گاهی د زیر پرده "مبارزه ضد امپریالیستی" (که خود بخشی از مکرسی است) وزمانی د یگر د زیر پوشش مبارزات کارگری (که باز هم نمیتواند از مکرسی بمعنای علمی خود جدا باشد) از اهمیت د مکرسی میگویند. د بسیاری از موارد حتی احزاب و سازمانهای مترقی چه در رمل و چه در تحلیلهای سیاسی بدون خوانا نخواه مفهوم د مکرسی را آشفته میدانند و با ابداع عبارات و اصطلاحاتی از قبیل: "مکرسی بورژوازیسی" و "قدرت طبقه کارگر و همزمنی آن" و غیره، سیاهی واقعسی د مکرسی را از دید گاهها مخفی میدارند. حزب مکرسی در شان بار و کاهمیت

د مکرسی و با تحلیل تاریخی میهنمان ضرورت ایجاد یک فضای د مکرسی را که رآز نوردهای مردم بتوانند رشد یابند، آگاهی سیاسی بدست آورند، به سازماندهی خود بهر ازند و شرایط مناسب برای استقرار عدالت اجتماعی را فراهم آورند، کاملاً احساس مینماید و با تمام قدرت برای تحقق آن مبارزه میکند.

حزب ما هرگز چنین نظراتی را نمیپذیرد که بهبهانه سازش نکردن با بورژوازی و دستاویز اصل همزمنی طبقه کارگر مرحله کنونی انقلاب را نیز مواتار یک مینماید و نتیجتاً میداند که راه برای نیروهای وابسته غالی میکنند تا بحیل خود و ظاهر تحت نام جانبداری از مکرسی و آزادی یبار د یگر میهن ما را به صورت میدان تاخت و تاز امپریالیزم د رآورند.

د مکرسی و امپریالیزم:

بعقیده ما تنها راه برای مطرح ساختن نظرات و خواستههای طبقات و اقشار مختلف جامعه امپریالیزم سیاسی است. از این طریق آگاهی توردها بالا خواهد رفت و نظرات مختلف مطرح خواهند شد و امکان انتخاب و گزینش بوجود خواهد آمد. در کشوری که هیچ



بقیه: استقلال و.....

امکانی برای تجربه مکرر سیاسی وجود نداشته است. هر نوع فشاری و متظور جلوگیری از اظهار عقیده، تودمهای مردم را چارترود بد و بدگمانی خواهد کرد. باید امکان داد شود که خواستهای مردم و منوی تودمها بیان آورده شود و برنامههای مختلفی را برای ازمیان برداشتن مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارائه دهند تا مردم بتوانند بسیل خود انتخاب کنند.

در شرایط و اوضاع و احوالی که همین مسائل در آن بشمر میبرد حتی مسائلی را که نفع طبقات زحمتکش جامعه است نباید بسزور بر آنها تحصیل کرد؛ بلکه باید آنها را در مورد منافعشان روشن نمود و با بررسی برنامههای مختلف امکان تصمیم گیری در مورد آنها خودشان را برایشان فراهم آورد؛ بگونهای که بتوانند بهترین راهها را برای رفاه و آسایش خود برگزینند. در چنین شرایطی باید بسا رقت تمام این مسئله هم مد نظر قرار گیرد که کمالات مردم به آنها رسیده تبدیل نشود و این مقصود حاصل نخواهد شد مگر با تدوین یک قانون اساسی کاملاً مکرر آنکه کس در آن منافع زحمتگشان کشور مراعات گشته و حد و مرز

اختیارات هر يك از نیروهای اجتماعی بروشنی مشخص شد باشد. استغرابك میبندم چند حزبی یا پلورالیزم سیاسی در کشوری مانند ایران، فایده دیگری نیز دارد و آنهم اینست که هیچيك از نیروهای قدرتی در مکرراته کشور تجربه اراره امور کشور ندارند و چنانچه با هم حزب یا سازمان سیاسی واحدی یافتار بسسازره سیاسی کرد، یقیناً مرتکب اشتباهات زیادی خواهد شد و هیچ نیروی دیگری نیز نخواهد بود که از آن انتقاد کند. لیکن همیشه چند حزبی باعث روشن شدن معایب هر يك از آنها خواهد شد و برای جلب افکار مردم رقابت سالم و شبتی نیز در میان آنها (حزب و سازمانهای سیاسی) بوجود خواهد آمد.

شیوه مبارزه حزب و سازمانهای ایرانسی مخالف رژیم نشان میدهد که ستاد نظامی تنها نماینده های سیاسی در مورد مکرر سیاسی و پلورالیزم سیاسی تحلیل و موضع گیری صحیحی ندارند. چرا که گفتار اتفاق می افتد که این سازمانها نظرگاههایی غیر از نظر غسود را برای رخصی هر چه تمامتر باز ن انگ و بوجه به سسای کوناگون در نظر دارند. آنها بجای آنکه تمام مسائل مربوط به مردم را در نظر بگیرند و در فکر آن هستند که با بستن تهمت و افتراء بر سه



بقیه: استقلال و.....

در بنگران رقبای سیاسی را از میدان بدرکنند،
 پیدا است که چندین موضوع پذیرفته شده است
 تار رستی بار مکرسی و باور الیزم سیاسی
 جورد رنمایید و مخصوصاً نیروهای چپ ایرانی
 که ما آنها را بعنوان دوست و همپیمانان
 استراتژیکی خود به حساب میآوریم باید متوجه
 باشند که با تئوری یافی و فاطمی کردن مراحل
 مختلف مبارزه و آشفتن نمودن مرزهای این
 مراحل هرگز نمیتوانند طبقه کارگر را برای چنان
 مبارزه و شواری آماده سازند که بتواند جامعه
 ایران را به یک جامعه بدون طبقه تبدیل نماید؛
 و نمیتوانند با این شیوه به طبقات و اقشاری که
 خود را علیه نمایندگانی شان رادارند آگاهی
 لازم بدهند، برعکس یا بصورت خشک و فاقد
 امکان تبادل افکار که در آن نظرات مختلف
 فرصت خود نمائی پیدا نمیکنند باعث میشود که
 زحمتکشان کشور دنبال اقتدار انگل صفت جامعه
 مانند آخوند های مرتجع و وابستگرا بیافتند و راه
 کر بلا را در پیش گیرند!

در مکرسی و سوسیالیسم:

در بند دوم از فصل یکم هدفهای کلی از
 برنامه حزب مصوب کنگره ششم آمده است:
 "آرمان نهائی حزب مکرسی کردن استان ایران

استقرار یک جامعه مکرسیک سوسیالیستی
 است. " علاوه بر آن در جزوه "بحثی کوتاه
 درباره سوسیالیسم" (که بصورت کنگره ششم
 رسیده است) نظرگاههای حزب در باره
 مکرسی و سوسیالیسم بطور کلی مانند دوروی
 یک سکور ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر صورت
 توجه قرار گرفته است.

اما هدف حزب از نگار بردن این کلمه
 (مکرسی) چه بود؟ پاسخ بسیار
 ساده و روشن اینست که: حزب ما حزبی است
 مکرسی، یعنی حزبی که اعتقادی صمیمی
 به مکرسی دارد. بویژه در جامعه ایران که
 یک جامعه عقب افتاد بود یکتا توریست است.
 تاکید بر مکرسی، یا بصیارت دیگر اصرار
 بر تأمین تسلط اکثریت توردهای خلق، بمعنای
 قبول و قاع از حق و خالت مستقیم توردهای
 مردم در امر حقی تعیین سرنوشت خود شان
 میباشد. به همین جهت در مرحله سوسیالیسم
 نیز این مکرسی نه تنها نباید دچار هیچ قید و
 بندی گردد، بلکه باید بسیار وسیعتر و عمیقتر
 تأمین شود. آنچنانکه بصمیمی و ستوگرو هوسی
 هیچ کسسی اجازت ندارد بشود که در فسردهای
 پیاد نشودن سوسیالیسم را آثار انحصاری
 خودش کند و بانام و عنوانی تازه در یگانه سازی

بقیه: جنگ ایران و.....

کردستان وارد میآورند، آنگاه در ماندگسی و ناتوانی آن در کسب پیروزی نظامی واضحتر و برجستهتر خواهد شد.

اینک که پیش از سه سال ونیم از جنگ ایران و عراق میگذرد، این جنگ ویرانگر همچنان ادامه دارد و مدتی است بسیار شدت بیشتری شعله میگیرد. بمباران متقابل شهرها و مساله بکاربردن مواد شیمیایی که استعمال آنسها در جنگ بر طبق پیمانهای بین المللی اکیدا ممنوع شده است، مراحل جدیدی از حدت این جنگ خانمانسوز بشمار میرود. ولی همانطور که گفته شد هیچکس نمیتواند مانع از ادامه جنگ از سوی رژیم خمینی گردد؛ زیرا سرنوشت جنگ با سرنوشت رژیم رابطه مستقیم پیدا کرده است. به همین جهت افشاکری پایه رژیم در مورد جنگ، رسوا ساختن سیاست جنگ طلبانه خمینی و تبلیغ صلح خواهی در میان توده ها، اهمیت بسزائی دارد.

مردم کردستان با قیام خود علیه رژیم خمینی و گسترش مبارزه مسلحانه، در واقع به جنگ خمینی اعلان جنگ دارند و همچنانکسه در گزارش کمیته مرکزی به کنگره ششم حزب آمده،

را اصلاح است.

در چهارمین سال جنگ ایران و عراق، وظیفه مردم همه نیروهای انقلابی در تشدید مبارزه علیه رژیم خمینی، در تهییج و بسیج توده ها علیه سیاست جنگ طلبانه خمینی، و در تبلیغ مبارزه در راه صلح با مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم خلاصه میشود. بدون تردید امروز دور نیست که نیروهای انقلابی بغضتبیانی خلقهای ایران هم از تر رژیم خمینی و هم از سبب جنگ رهائی یابند.

بقیه: استقلال و.....

در بگیری برخلاف معتاد برای امتین موسسه الیوم رژیم در تکمیل نماید.

موسسه الیوم در مکرانیک از اینرو و نسو سورت دارد که در اکثریت اکثریت توده های خداسق تامین گردد که مردم بتوانند در هر روز سیاست اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور شرکت نمایند؛ که کارگران و زحمتکشان بتوانند در تصمیم گیریها و اجوای آنها سهم داشته باشند و به صورت ابزار اجرای سیاستی در نمایانند که مورد در آن هیچ دخالتی ندارند.

سیرالمنان فرهنگ

در اوایل اکتبر ۱۹۸۳، (اوایل آبانماه ۶۲) در شهر آمستردام هلند کنگره‌ای در باره فرهنگ ملت کرد و استراتژی نهضت ملی کرد برگزار گردید که برای شرکت در آن از دکتر عبدالرحمن قاسملو* در بیوکل حزب دمکرات کردستان نیز رسماً دعوت بعمل آمد بهود.

رفیق دکتر قاسملو در این کنگره سخنرانی جامعی ایراد نمود که مورد توجه فوی العارده شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت. در بیوکل حزب دمکرات کردستان ایران، بهرابطه فرهنگ با جنبش انقلابی در کردستان میسر از کدام رزیر ترجمه این بخش اغیواز سخنان وی را از نظر خوانندگان گرامی* کوردستان* میگردانیم:

..... زندگی فرهنگی مردم کردستان در حال پیشرفت و شکوفایی است، به شرفست و توسعه فرهنگ، جنبش آزاد بیخش ما را تقویت میکند که آنهاست متقابلاً بر شکوفایی فرهنگ ناثیر میگذارد، اگر گفته شود که ناثیر متقابل این دو دیده شده ناثیر مستقیمی است همیشه جویبه مخالفه نشده است. برای اثبات این مدعا دو دلیل وجود دارد: نخست آنکه - مبارزه ما با کمپاریزه ملی است. مردم تحت ستم ما که برای دفاع از وجود بیت خود جنگ مسلحانه‌ای را آغاز کرده‌اند در همان حال وظیفه دارند فرهنگ ملی خود را محفوظ داشته و آنرا توسعه بخشند.

علاوه بر آن حفظ زبان مادری (زبان کردی) هدفی است مهم و حیاتی؛ مسئله‌ای که همگس می‌خواهند در حفظ آن سهم و شریک باشند. اکنون برای اکثریت مردم جهان مسئله به صورت یک ضرورت مهم مطرح شده است که نتوانند با آزادی تمام فرهنگ خود را رشد دهند. موجودیت خود را حفظ نمایند و عقاید و افکار خود را بنیان کردی بیان کنند؛ زبانی که به وسیله ملت فارس سرکوب شده، کارکرد آن ممنوع گردیده و با وجود آن هنوز حمایت خود را امید دهد.

تاکنون حزب دمکرات کردستان ایران، چند مدد رسه* ابتدائی را در مناطقی آزاد

بقیه: پیراهون فرهنگ.

کردستان مجدداً را ایرکرد داشته در این مناطق برای اولین بار در تاریخ کردستان (به جز در دوران کوتاه مدت جمهوری خود مختار مهاباد در سال ۱۹۴۶) کردگان با به زبان مادری خود درس میخوانند.

در روز آنکه - امروز ما در کردستان با یک رژیم شدیدا واپسگرا، پارزیم آیت اللهاکه از تاریکی های قرون وسطایی سرچشمه آورد مانند، رژیم هسنتیم دهد قهای آنها کتبا به حال برای ما روشن شد مانند خصوصیت واقعی و ماهیت راستین آنها را نشان میدهد. نابودی هر چه سبز مثبت و مطلوبی که جامعه ایرانی در زمینه فرهنگ کسب کرد داشته، حیاتی ترین و اساسی ترین هدف آنها است. آیت اللهانمینوانند با فرهنگ و دستاورد های فرهنگی مردم همزیستی داشته باشند.

باید توجه داشت که چنین رفتاری تنها به فرهنگ ایرانی منحصر نمیگردد. این رژیم به ما همه توان خود تلاش میکند تا هر آنچه را خرد "فرهنگ فاسد غرب" مینامد نابود سازد. اما آنچه که رژیم در پی نابودی آن است صرفاً فرهنگ غربی نیست، بلکه فرهنگ بمعنای وسیع

بشریت است که طی قرن ها بوجود آمده و طی ما در بریدایش و توسعه آن تمامی ملت ها سهیم بودند.

اکنون برای اولین بار در تاریخ خلق کردستان دشمنان این خلق از نظر فرهنگی در سطح فرهنگ پائین تری قرار دارند. مردم ما که هرگز مزه آزادی را نچشیده اند بگسیختن موضوع شد مانند. اینک در شرایطی آزاد و مکرراتیست، مردم کردستان برای توسعه و پیشرفت هنسرت و موسسات فرهنگی دست بکار شده اند. مساعی سرعت استناد با زبان ملی و هنرهای موجود را آغاز کردیم و مردم ما با شور و شوق تمام از آن استقبال میکنند. تصور میکنم این چیزی است که بعضی میتوان آنرا توسعه و پیشرفت فرهنگ نامید. چرا که دشمن از نظر فرهنگی از مساعی عقب افتادتر است؟ برای کردار و روشها در سر راه ایران، به استثناء کردستان، هنسرت بطور کلی منسوخ شده است. اجازه بدید، هر چه پیشرفت مثالی را برایتان بیاوریم:

--- تمام ادبیات و تشریحاتی که با تفسیرهای خمینی از اسلام همخوانی نداشته باشند، سانسور میشوند.

--- رقص بطور کلی از فرهنگ جمهوری اسلامی حذف شده است.

بقیه: پروامون فرهنگ.

حاضر زنان کردستان در تمام فعالیتهاییکه هدف آنها تقویت جنبش و مکرانیک ما است شرکت مینمایند.

رژیم ایران مردها را برای جنگ بسا سربازان عراقی به جبههها میفرستد و آنها را میکوبد: رسالت شعار رزندگان آن است که با کفار بجنگند و شهید شدن هدف عالی وجود است.

لیکن مادر کردستان به مردم درس میبسن پرستی میدهم و گرچه از پیشمرگانمان میخواهیم باشجاعت علیه دشمن بجنگند و برای بدست آوردن آزادی مبارزه میکنند. اما در همین حال به آنها میآموزیم که چگونه زندگی کنند چراکه هدف عالی از مرگ در مبارزه ضروری و خونین گهرمان تحصیل شد ما ست کسب آزادی و تنظیم و بهتر زینستن است.

در کردستان روزی نیست که شهرها و روستاها ایمان بهاران نشوند و روزی نیست که شاهد چندین قربانی نباشیم. خانواده این قربانیها در استان آنها و همه مردم در مرگ آنها تعزیه را میشنوند. این اندوه بسیاری يك امر طبیعی است. لیکن با یادشود لمردگس فرقی بسیاری دارد و روحیه مردم بطور کلی بسیار

تثاثرها، غیر از آنهاستیکه مراسم تعزیه، اما مان را بر روی صحنه میآورند، تعطیل شده باند، همچنین فیلمها، نقاشیها، موسیقی، غیر از آنهاستیکه مذهبی و نظامی هستند، همگی از بین رفتهاند.

لیکن ما هنوز در این آرامشیدیم. ما در کردستان علیه کمبودهایی که داریم و محدودیت امکاناتی که با آن روبرو هستیم تمام مساعی خود را به کار میبریم که این هنرها را توسعه بخشیم.

در جاتی که زن الهام بخش هنرمندان در خلق آثار هنری است، تعلیمات کهنه و پوسیده، خمینی مقام زن را به موجودی چادر به سر، سیاه پوش و بیعقدار پائین آورد ما ست. موجودی که شایسته بردگی است؛ مجبور به ماندن در منزل است تا به مرد ها خدمت کند و در روز اجتماع مردان به صحیبات خود ارامه دهد.

در برنامه حزب مکررات کردستان ایران زن کرد برای اولین بار از حق مساوی با مردان برخوردار شد ما ست و از وی دعوت میشود تا در زندگی اجتماعی شرکت جوید. در حال

بقیه: پیرامون فرهنگ

مالی است. مردها همگام با پیشمرگان سا
آواز سر میدهند. میرقصند، شعر میخوانند و
شادی میکنند، لطیفه میگویند و میخندند. این
روحیه مردمی است که هر زندگی عشق میسوزد و
به پیروزی خود اطمینان دارد.

در واقع جنگی را که خمینی بر ما تحمیل کرده
است نمیتوان صرفاً "یک جنگ در زمینه"
نظامی بحساب آورد. این جنگی است که
در حقیقت صورت پیکار فرهنگ ملی می
داد. اگر چه ما برای جنگیدن طیما بندیم
مجبور شدیم که سلاح برگزیده رژیم خمینی هیچ
راهد دیگری جز مبارزه مسلحانه برای ما باقی
نگذاشته است. اما اگر خمینی فرهنگ متبصر
درانهد ام زندگی فرهنگی در رختهای دیگر
ایران تا حدی موفق شد که دست در کردستان
از انجام چنین کاری تا بحال بنامی عاجز مانده
است.

ما در کردستان ایران در مبارزه انقلابی
خود مجبور هستیم با دشمن براتب مجهزتر
و دارای نفقات بسیار بیشتر از خود بجنگیم،
با وجود این موفق شدیم زندگی

دارد، لیکن در زمینه فرهنگی ما بر او برتری
داریم. مردم کردستان تا چند وقت پیش بد روشی
نمیدانستند که مددکاری و فرهنگ
چهارموی دارد؛ لیکن امروز برای استقرار
مددکاری و پیشرفت فرهنگش به میل خود
بخطرات زمان بر داشتن مدد های موجود پنا
خواستند.

فرهنگ انتقالی تنها در شرایطی آزاد و
مددکاری میتواند به حیات خود ادامه دهد و
شکوفه گردد و بدون وجود مددکاری نمیتواند
باقی بماند.

تجربه پنج سال زندگی با جمهوری
اسلامی نشان میدهد که فرهنگ با پیوستن
و اشتقاقی عقب نشینی کرده است. اینها اصطلاح
"فرهنگی" که از طرف رژیم خمینی در سال
۱۹۸۳ اعمال میشود. چیزی جز فرهنگ
قرون تاریکیها (قرون وسطایی) نیست.
به همین جهت شکوفائی فرهنگ در
کردستان حکم گرم شب تابسی را پیدا کرده
است. کدرفضای تاریک وطن مانورافشانسی
میکند. این فرهنگ به همگان تعلی دارد و
از اینرو همگان سکوت

بقیه: پیرامون فرهنگ.

حاضر زنان کوردستان در تمام فعالیتها تکیه
هدف آنها تقویت جنبش و مکرانیک ما است
شرکت مینمایند.

تئاترها، غیر از آنها تکیه مراسم تعزیه
اما مان را بر روی صحنه میآورند، تعطیل شده اند
همچنین فیلمها، نقاشی ها، موسیقی،
غیر از آنها تکیه مذهبی و نظامی هستند، همگی
از بین رفته اند.

رویم ایران مرد ها را برای جنگ با
سربازان عراقی به جبهه ها میفرستد و به آنها
میگوید: رسالت شمار رزندگان آن است که با
کفار بجنگید و شهید شدن هدف عالی
وجود است.

لیکن ما هنوز در این راه امید داریم. ما
در کوردستان علی رغم کمبود هائی که داریم و
محدودیت امکاناتی که با آن روبرو هستیم
تمام مساعی خود را با کار میبریم که این هنرها را
توسعه بخشیم.

لیکن ما در کوردستان به مردم درس میبخشیم
به دست می دهیم و گرچه از پیشمرگانمان میخواهیم
باشجاعت طبعه شمن بجنگند و برای
بدست آوردن آزادی مبارزه بکنند. اما در همین
حال به آنها می آموزیم که چگونه زندگی کنند چرا که
هدف عالی از مرگ در مبارزه ضروری و خونین
که بر ما تعمیم شد ما ست کسب آزادی به منظور
بهترین شدن است.

در جاتی که زن الهام بخش هنرمدان
در خلق آثار هنری است، تعلیمات کهنه و
پوسیده و خمینی مقام زن را به وجودی چادر
به سر، سیاه پوش و بی مقدار پائین آورد ما ست.
وجودی که شایسته بردگی است، مجبور
بماندن در منزل است تا به مرد ها خدمت کند
و در روز اجتماع مردان به عیادت خود ادامه
دهد.

در کوردستان روزی نیست که شهرها و
روستاها بیان بهاران نشوند و روزی نیست که
شاهد چندین قربانی نباشیم. خانوارها این
قربانیها در استان آنها و همه مردم در مرگ
آنها تعزیه را میخوانند. این اندوه بسیاری
یک امر طبیعی است. لیکن با یاس و دلبردگی
فرقی بسیاری دارد و روحیه مردم به طور کلی بسیار

در برنامه حزب مکررات کوردستان ایران
زن کورد برای اولین بار از حق مساوی با مردان
برخوردار شد ما ست و از وی دعوت میشود تا
در زندگی اجتماعی شرکت جوید. در حال

بقیه: پیرامون فرهنگ.

دارد، لیکن در زمینه فرهنگی ما برای برتری
داریم. مردم کردستان تا چند عیش بد رستی
نمیدانستند که مسد مکراسی و فرهنگ
چهارم می دارد؛ لیکن امروز برای استقرار
مکراسی و پیشرفت فرهنگش به میل خود
بنظر از زبان برداشتن مد های موجود به پسا
خاستند.

فرهنگ انقلابی تنها در شرایطی آزاد و
مکرانیک میتواند به حیات خود ادامه دهد و
شکوفایی و بدین وجود مکراسی نمیتواند
باقی بماند.

تجربه پنجاه سال زندگی با جدایی
اسلامی نشان میدهد که فرهنگ با پیوستن
و حشتمانی عقب نشینی کرده است. این اصطلاح
"فرهنگی" که از طرف رژیم خمینی در سال
۱۹۸۳ اعمال میشود، چیزی جز فرهنگ
قرن تاریکیها (قرن وسطایی) نیست.
به همین جهت شکوفایی فرهنگ در
کردستان حکم کرم شب تابسی را پیدا کرده
است، کدرفضای تاریک وطن مانورافشانسی
میکند. این فرهنگ به همگان تسلط دارد و
از اینرو همگان میکوشند که در وجود و اصلاح
آن شرکت نمایند.
لیکن میدانیم که وظیفه اساسی بهشتاز

طالبی است. مردم ما همگام با پیشمرگان ما
آواز سر میدهند. میرقصند، شمره میخوانند و
شادی میکنند، لطیفه میگویند و میخندند. این
روحیه مردمی است که به زندگی عشق میورزد و
به پیروزی خود اطمینان دارد.

در واقع جنگی را که خمینی بر ما تحمیل کرده
است نمیتوان صرفاً یک جنگ در زمینه
نظامی بحساب آورد. این جنگی است که
در حقیقت صورت پیکار فرهنگ علیه فرهنگ
را دارد. گرچه ما برای جنگیدن طیاره نداریم
مجبور شدیم که سلاح برگزیده رژیم خمینی هیچ
راه دیگری جز مبارزه مسلحانه برای ما باقی
نگذاشته است، اما اگر خمینی فرهنگ ستیز
درانهدام زندگی فرهنگی در بخشهای دیگر
ایران تا حدی موفق شده است در کردستان
از انجام چنین کاری تا بحال بنامی عاجز مانده
است.

ما در کردستان ایران در مبارزه انقلابی
خود مجبور هستیم با دشمن برانتب مجبوتر
و دارای نفقات بسیار بیشتر از خود جنگیم.
با وجود این موفق شده ایم زندگی هنری خود
را نیز شکوفا نمائیم. اگر چه در این جنگ دشمن
از لحاظ تجهیزات و نفقات بر ما برتری چشمگیری

بقیه: پیرامون فرهنگ.

پیشمرگان ما هم این مسائل را خوب درک میکنند. تنها به احتمال زیاد شنید مایه کد رزید انهای رژیم خمینی چه جنایاتی صورت میگیرد. اما ما در رزید انهای ما بدلیل کاربرد روشهای انسانی زند انسیبائی را بریم که حاضر نیستند آزاد شوند. آنها میترسند پیش رژیم خمینی برگردند؛ چراکه این زندگان میبایستی مدتها پیش میزدند، یعنی بقول خودشان میبایستی در جنگ علیه "کفار" شهید میشدند!

جنگ با علیه رژیم جهل و خرافه پرستی را امداد دارد. هر مید ان جنگ و هر در ظمرو فرهنگ و تعلیم و تربیت. این دوید بد ما کسبون با هم تلفیق شد ماند. بدید اول بدون دومی امکان موفقیت ندارد و دومی نیز بدو از اولی نمیتواند وجود داشته باشد.

عرصه دیگری نیز برای مبارزه موجود دارد. آن عرصه همین جا است: در اروپا، در جهان خارج از ایران و کردستان، بدون حمایت مادی و معنوی مردم نوع دوست و کمکواری سازمانهای شرق و غرب و کلیه افراد خیر و خیرخواه، مبارزه مارلانها مانع خواهد شد و ممکن است به فراموشی سپرد شود. اگر

این نیست که یکسب چند پیروزی و رضایت در او موسسه را تحت بنشیند. فرهنگها پس در تمام دورهها و اعصار تاریخی رشد و توسعه پیدا کنند. یکی از اساسی ترین رسالت های آن رشد کن ساختن بیسواد ی است. مبارزه در جهت از میان بردن بیسواد ی برای رشد فرهنگ جنبه حیاتی دارد. تنها تعلیم و تربیت سالم میتواند بدستوسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی منجر گردد؛ شیوه های از زندگی فرهنگی کبرای همگان ی برای توده های مردم قابل دسترس باشد.

بعلاوه رشد و توسعه فرهنگ در یک کشور عقب افتاده، همگام با جنبه های مکرانیک و انسانی کل جامعه میتواند پیش رود. تعلیم و تربیت و آموزش افراد با استعداد، چه بطور فردی و چه بگونه رسته جمعی، اساساً لازمه مکرانسی و آزادی است.

ما از اینک توانستیم مردم و پیروان پیشمرگان خود را با مکرانسی و مسائل انسانی آشنا سازیم، آنها در چنین مدت زمان کوتاهی، به خود میسالم. ما به پیشمرگان خود میگوئیم: "اگر ما هم مانند او باش خمینی، مقام و منزلت خود را تا حد آنها پائین بیاوریم. در آن صورت چرا با آنها (نیروهای خمینی) جنگیم؟"

بقیه: اطلاعیه ر فترسیاسی

سراسر ایران!

✽ مرگ پروریم واپ گرای خمینی و ان ساپهان
امیرالهیست او!
✽ زند مبار آزادی، نابود باد اسارت!

ر فترسیاسی
حزب دمکرات کوردستان ایران
۱۸ / فروردین ماه / ۱۳۲۲

ر مکرسی نهار فاست، شهادت فقی عبد الله
وحسین شمسی هم براراده قوی آنان به پیوجیه
ناشیرضنی بجای نخواهد گذاشت و محکم و
پولادین بمانند گذشته در مقابل حاکمیت
نوم واپسگرایان سنگرخواهند گرفت.

ر فترسیاسی حزب دمکرات کوردستان
ایران با ابرازناشر واندوه خویش در فقدان
این عزیزان دلآورد به خانوار و نزدیکان این
شهیدان و همه مردم کوردستان و بویژه
همسنگران قهرمانشان از مصیبت قلب تسلیمت
میگویند و خود را در غم آنان شریک میدانند.
ر فترسیاسی آرزومند افتخار ابدی برای این
شهیدان از دست رفته و سلامتی و پیروزی برای
همسنگران دلیرشان است.

بهترین طریق این نهارن به شهیدای
رام آزادی ادامه دادن راهمان و مبارزه در راه
تحقیق آرمانهای آنهاست. اطمینان داریم
که پیشمرگان کوردستان و خاصه وارثان
فقی عبد الله و حسین شمسی، مردان ایمن
میدان و فرزندان روزمبارا هستند.

در روز بیرون هساک شهیدان به افتخار:
فقی عبد الله و حسین شمسی و همسنگران
شهیدان و همه شهیدان کوردستان

بقیه: پیرامون فرهنگ

احتمالاً چنین وضعی پیش آید. کوشش ما
برای دسترسی به آزادی بسیار مشکل تر خواهد
شد.

بدین خاطر است که همپایان ما
میخواهیم در مقابل ارتجاع و کهنه پرستی،
علیه فرهنگ ستیزی و در ضدیت با دیکتاتوری
و استبداد به حمایت از دانش و فرهنگسنگ
و تقویت ر مکرسی بهر ازید و در یک کلام
در بیگاریان مرگ و زندگی. زندگی را بسازیم
و هیست.

بهترین شیوه ارج نهادن به شهدا، ادامه دادن راه ایشان است

(چکیده احساس یکی از
قدیمیترین اعضای حزب)

نظم یاد کردستان

میخواستم بیشتر از اینها را نظاره گر باشم
و با گوش جان بشنوم اما باز هم در آن
بلندای دل انگیز یاد عزیزترین عزیزانم چون
رود خروشان در مجرای اندیشه ام جاری شد :
یاد کردستان، کردستان سرافراز آورد گاه
شهر مردان پاکباز

برخاستم و نگاهی از سر عشق بر خاک مقدس
سوزمینم انداختم . لگنهای سفیدی حلقه خوردند
بر صخره بلند کوه و سرو ، از شمال رو بسوی
جنوب در حرکت بود ، می انگاشتم بر ابر سوادم
و در پروازم . با خود در سخن بودم و به صدای
بلند گفتم : باید به این خاک خونین و قهرمان
به این خلق شکست ناپذیر و بیاید از افتخار کرد
میخواستم در مدح کردستان و خلق قهرمان
بسیار گویم . اما در ریاضتم که در توان من همسر و
از کار افتاد نیست . بناچار در برابر خاک
مقدس کردستان سر فرود آوردم و خطاب به
مأمورین کردی گفتم : ای جان و گرانقدر و معصوم!
هنگامیکه میبینم نزد یک به ۶۰ ماناست گفتگو
در تسخیر ناپذیر آزادی بد و برابر بزرگترین و
درندترین نیروی سیاسی ارتجاع و خود گامگسی

بقیه در صفحه ۳۵

سحرگاه بر قلعه کوه بلند در منطقهای سرسبز
در نشستین جهان اطراف را نظاره گر بودم
و نظاره گاه از بلندای کوه به هنگام طلوع خورشید
زیبائیهای طبیعت دل انگیز کردستان را
در شعاعهای نور تابانگر باشم . میخواستم
ببینم که نهرها و جویباران چگونه میان مساری
سیمین به رود می پیوندند و پیش از آنکه در یک
نقطه بهم میرسند از آبشارهای کوچک
بر سنگهای سائیده میباشند و زمزمه گنگان
اطراف را سرشار از شادی میکنند ؛ نسیم
سحری چگونه گل خجسته ها را میشکند و غنچه ها
چوستان بلبل عاشق را به سردادن نغمه
پر شور عشق را میدارند ؛ چگونه زندگی
در شعاع زین آفتاب شکوفا میشود و نور میدهد
بندلها میباید ؛ چگونه بار ملایم سحرگاهان
گلها را در روستا به جولان در میآورد و
منظرهای زیبا از شیطنت بزغالها میآفریند ؛
چگونه جوان جوان رفته ها را بسوی کسوف
رانشمین میکند و خود در نش چو سیمین میداند و
یار زیبای شرد و نش را بسوی خود میخواند تا
بازبان نگاه از سوز دل و ساز عشق سخنها
گویند .

بقیه: زند بهار.....

در برابر سپاهیان جهل و تاریکی و یاسد اران
در یگاتوری ولایت فقیهی اینچنین قهرمانانسه
ایستاد های.

وقتی به وظیفه مهمی می اندیشم گفتاریخ
برهید و ملت محروم و مستعبدیده امازند هر
قهرمانم گذشتهاست که باید پیشاهنگ رهروان
را آزاد ی ایران باشد تا آزادی یعنی نعضی
را که انسان در طول تاریخ برای کسب
آن خونها را داده است برای همه ایسران
بازمان آورد...

زمانیکه میبینم دشمنان از زمین و هوا
و انبوهی جهنمی خود به سرت آتش و آهن
میبارند، جنگلهای سبز و خرم را با تیش
میکنند، فرزندان را قتل هام میکنند و خانها
کاشانعات را ویران میسازند،

آنهنگام که در میابم به فتوای جلال سیاه
دل، خمینی خون آلود دشمن آزادی، جوان
برومندت در شهر مهاباد قهرمان و ۱۴ دختر
و پسر فد اکارت در شهر خونین سقر بدست
یاسد اران ارتجاع گل زند گیشان پدید میشود و
با خون خود خاک کردستان را رنگین میکنند،
و قتیکه شیر و خندان مروان و سنندج برای
حفظ اسرار خلق و اشیاء و وفاداری خود و

دفاع از ناموس و شرفشان خود را آتش میزنند و
علا به سبیل شجاعت و شهامت و فد اکاری
بدل میشوند،

آنگاه که با شناری و ضعف فرزند ان پیشمرگت
رامی بینم که بار و جبهای سرشار از امید
و ایمان در راه دفاع از خاک پاک تو و حفظ
شرافت و کرامت خلق کرد، همراهی فرمانده خور
و در زیر پرچم حزب پراخخار در مکسرات
کردستان، بسید ان نبرد روی میآورند و برای
دشمن و مرتجعین کردستان میسازند،

و قتیکه میبینم نوموس در موز و مادر رجوان
امروز، نوزاد معصومش را با لایمی نسزم
و موزوش بعد بار خواب میسپارد و در همان حال
از یزد ان پاک میفراهد که پیشمرگ میبینمش
سلامت و بیروز باز گردد و میوه عشق پاکشان
را در آغوش بفشارد،

هنگامیکه میبینم پدر فرزند از دست رانده،
دست نوجوان ۱۶ ساله اش را اگر خوار فرمانده
فرزند شهیدش میخواهد که تنگ، اورا بد دست
برادر دیگر بد شد تا سنگ مرارزه مانده، سحر سب
و خلق خالی نماند و انتقام خون با خون گرفته
شود.....

آری مادر! و قتیکه اینجده حساسه و
فد اکاری میبینم زانم از حرکت باز میماند و

بقیه: زند مبارک.....

ظلم از نگارش میآید و نمیدانم که در برابر این همه حماسه و عشق، این همه از خود گذشتگی و جانبازی من پیرناتوان چه گویم و چه بنویسم؟ تنها همین را میتوان دارم که در برابرت سر تعظیم فرود آورم، زانو بزمین گذارم و پیشانی بر خاک مقدست بسایم و از صمیم قلب فریاد بر آورم که: زند مهابتی کردستان ای مایه افتخار و مهابتیم؛ زنده باشید ای فرزندان خلق کُرد، ای

تجسمهای شجاعت و قهرمانی و جوانمردی؛ در اهتزاز بار پرچمت ای حزب محبوب خلق، ای تحقق بخشنده آرمان شهیدان؛ بایدار باشید ای پیشمرگان دلیر کفنام پرافتخارستان موج شادی بر دلها میافکند و گسل آند را میشکند؛ زند مهابتید ای جوانان دلاور، ای امیدهای آینده مهربان، زند هر روز باشید کز زندگی و پیروزی برآزنده شاست *

صدای کوردستان ایران

هفته روزه

امواج کوتاه، روی فرهای ۱۴ متر و ۷۲ متر
 برنامه اصلی: از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۲ بعد از ظهر
 عین این برنامه: .. تا ۵:۳۰ ..
 برنامه کردی روز چهارشنبه: ۱ تا ۷ صبح



منتشر شده است:

- ۱ گزارش کمیته مرکزی به کنگره هشتم
- ۲ برنامه و اساسنامه حزب مصوب کنگره هشتم
- ۳ تاریخچه جنبشهای ملی کرد «جلد دوم»

منتشر خواهد شد:

«جنگ کوردستان»

عملیات پیشمرگان حزب در نیمه دوم سال ۱۳۶۲

باز تکثیر از حزب دمکرات کردستان ایران
 تشکیلات اروپا